

کنفرانس برلین و جناحهای حکومت اسلامی

درسهای بدیهی برلین

اینها به برلین رفته بودند تا لبخند خاتمی و اجازه نشر مجلات پاسدارهای سابق را بعنوان گشایش سیاسی و آزادی بیان و جامعه مدنی در اروپا بفروشند، رفته بودند مضحکه مجلس اسلامی را یک پارلمان قانونی قلمداد کنند، رفته بودند سلاخی مخالفان حکومت را به گردن باند ها و محافل متفرقه بیاندازند و از جمهوری اسلامی ایران و رهبر و رئیس جمهور و مجلس و مقننه و قضائیه و کابینه و وزارت اطلاعات و حقوق بگیران نظام شان رفع مسئولیت کنند. رفته بودند نسل کشی ها و اعدام ها و سنگسار ها، گورهای بدون نشان، کارگران بدون معاش، زنان بدون حق، جوانان بدون آینده، کودکان تباه شده، اعتقادات سرکوب شده، صداهای خفه شده، بی حقوقی مطلق انسان در صحن جامعه و متن قوانین و چرخش مرگبار شمشیر قصاص و سببیت اسلامی در تمام زندگی و ذهن شهروندان این کشور بختک زده را پشت شمایل مقوایی یک آخوند مرتجع و لفاظی های بی ارزش در مورد "اسلام مدرن" مخفی کنند. اینها رفته بودند در برلین از جمهوری اسلامی دفاع کنند، برایش تبلیغ کنند، مخالفان حکومت اسلامی را عقب برانند.

تلاش کردند، اما نتوانستند. برعکس، کنفرانس برلین به صحنه یک اعتراض و افشاگری عظیم علیه کل موجودیت رژیم اسلامی و دولت آلمان و "اپوزیسیون" مرتجع موئتلف رژیم بدل شد. بازماندگان نسل کشتار شده، آزادیخواهان و مقدم بر همه کمونیستها این خیمه شب بازی را برچیدند. حقایق حاکمیت ارتجاع اسلامی و استبداد خونین در ایران را جلوی چشم همه گرفتند. خواست اکثریت عظیم مردم ایران، یعنی سرنگونی حکومت اسلامی، را فریاد کردند. پروژه تبلیغی دهها میلیون مارکی دولتی ایران و آلمان را خنثی کردند.



کنفرانس برلین و جناحهای حکومت اسلامی

مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت
(این برنامه روز پنجم مه ۲۰۰۰ در ایران پخش شده است)

درسهای بدیهی برلین

انتشارات حزب کمونیست کارگری ایران

با حزب کمونیست کارگری ایران تماس بگیرید!

سایت های حزب و نهادهای

نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.haftegi.com

www.wpibriefing.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.childrenfirstinternational.org

www.jawanan.org

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwprrian.org

حساب بانکی:

Bank Account:

Z.I.Konto:

520 5164008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

اصغر کریمی

Tel: 0044-7714097928

asqar_karimi@yahoo.com

اسد گلچینی

دبیر کمیته تشکیلات کل کشور

Tel: 0044-7940416768

asad.golchini@ukonline.co.uk

شهلا دانشفر

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-7950517465

Fax: 0044-8701351338

markazi@ukonline.co.uk

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب

Tel: 0046-739855837

r_hoseinzadeh@yahoo.com

بهرام مدرسی

دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان کمونیست

Tel: 0049-1749440201

آدرس پستی:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید و به دست دیگران برسانید

نشریه انترناسیونال هفتگی را تکثیر کنید و به دست دیگران برسانید

حتی مقامات آلمانی و دوستان شوک زده ایرانی شان خوب میدانند که تروریسم دولتی و محاکمات صحرایی و قصاص اسلامی و اعدام و شکنجه در ایران بیست سال است که حتی یک روز قطع نشده. خود پرونده برلین را از جمله برای ماستمالی پرونده یک زنجیره قتل دولتی سر هم کردند. در همین فاصله محکمه برلین، ۸۰۰ نفر را به اعدام و سنگسار محکوم کرده اند و کشتن ها را شروع کرده اند. چند صد نفر را بجرم جشن گرفتن سال نوی میلادی گرفتند و شلاق زدند و سیاه کردند. این واقعیات ایران اسلامی خامنه ای و خاتمی و رفسنجانی است.

محکومین محکمه نمایشی برلین باید فوراً آزاد بشوند. برای ما این بخشی از یک مبارزه وقفه ناپذیر برای سرنگونی رژیم کثیف اسلامی و رهایی همه قربانیان آن است. این مبارزه است که اکنون با سرعتی بیسابقه نیرو میگیرد. آنها که آنروز در کنفرانس برلین حقایق را گفتند، جای شایسته خود را در راس تحولات سیاسی تاریخساز ایران پیدا میکنند.

آلمان را خنثی کردند.

مقامات آلمان و بنیاد هاینریش بل و بهمن نیرومند و شرکاء، میگویند از احکام محکمه اسلامی "شوکه" شده اند! اما مگر این همان حقیقتی نبود که میخواستند به ضرب پلیس آلمان جلوی بیانش را بگیرند. این حقیقت که در رژیم اسلامی از آزادی بیان و اندیشه خبری نیست، که آدمها را بجرم فکر کردن میکشند و بجرم جشن گرفتن میزنند و سپاه میکندند. مگر از اعدامها و شکنجه های این بیست سال، از سنگسارها، از قتل های دزدکی جوخه های مرگ آقای رهبر و وزارتخانه های آقای رئیس جمهور بیخبر بوده اند. مگر صدها نفر در همان کنفرانس فریاد نزدند که آزادی تنها با برچیدن این نظام ممکن است، که دوم خرداد بال دیگر همین حکومت است، که حتی پالان این حکومت هم عوض شدنی نیست.

حکام محکمه اسلامی پرونده برلین ربطی به شرکت و اظهار نظر این افراد در آن کنفرانس ندارد. (بعضی مانند صدر و رستمخانی اصلا کاری در این کنفرانس نداشتند). این احکام ربطی به اعتراض مخالفان حکومت در سالن کنفرانس برلین و عکس العمل این سخنرانان در قبال آن وقایع ندارد. نوارهای ویدئویی کنفرانس برلین گواه این است که اغلب متهمین جانانه از حکومت اسلامی شان در ایران دفاع کردند. نه فقط این، بلکه کسانی نظیر سبحانی، رئیس دانا، جلالی پور و اشکوری، و برخی دیگر، چه قبل از تشکیل پرونده، در جراید و سخنرانی ها و چه در دفاعیات خود، باز آزادیخواهان و انقلابیون سرنگونی طلب و حزب کمونیست کارگری و رهبرانش را آماج شدید ترین حملات و ترور شخصیت قرار دادند، کوچکترین ابایی از این نداشتند که ما را "عامل اجانب" بخوانند و عملا فتوای اعداممان را طلب کنند. اساسا اگر کنفرانس برلین چیزی را نشان جناح راست داد، وفاداری دوم خردادی ها به نظام بود.

و طنز ماجرا اینجاست که اگر اینها حکم سنگین زندان گرفته اند، دقیقا به همین خاطر است. این عده قربانیان آرامش فعال اند. قربانیان بن بست دوم خرداد و اصلاح طلبی اسلامی، قربانیان تلاش ابلهانه برای تعدیل رژیم و جلوگیری از تغییر آن. در فاصله کنفرانس برلین تا صدور حکم محکمه برلین، دوم خرداد به انتهای خط رسید. حباب اصلاح طلبی اسلامی ترکید. اینها اسرای جنگی اند. رهبرانشان واداده اند. استراتژیست هایشان گیر کرده اند. نیروهایشان منهزم شده اند. انجمن اسلامی دانشجویان ایلام راست میگوید، اگر کسی قبلا جایی بر سر چیزی ایستادگی کرده بود، افشاری و سبحانی امروز در زندان نبودند.

رادیو اترناسیونال: از بعد از کنفرانس برلین تبلیغات هیستریکی از طرف هر دو جناح جمهوری اسلامی علیه حزب کمونیست کارگری ایران راه افتاده و اتهامات حیرت انگیزی را به حزب کمونیست کارگری وارد میکنند. شما برخورد این دو جناح را چگونه تفسیر میکنید؟

منصور حکمت: برخوردشان به ما بنظر من در اساس نشان دهنده ترسشان از جنبش ضد جمهوری اسلامی است. جنبش علیه هر دو جناح، ببینید این دو جناح هر کدام اساسا دیگری را متهم میکنند به اینکه دارد پایه های نظام را سست میکند. دوم خردادها دارند به جناح مقابل میگویند که این برخوردهای قشری شما و این تاکید شما بر اسلامیت غلیظ و این نپذیرفتن تعدیل باعث میشود مردم بر سر کل حکومت بریزند و یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم شکل بگیرد و جمهوری اسلامی ای بجا نگذارد. راستها در مقابل از قدیم دارند به دوم خردادها میگویند که این "توسعه توسعه" گفتن های شما، این "کشایش کشایش" گفتن های شما و "جامعه مدنی" گفتن های شما، یک جنبش سرنگونی طلبی عظیم را به میدان میاورد و طومار کل رژیم را در هم میپچد. این موضع گیری اساسی و همیشگی این دو جناح در برابر هم است. در نتیجه هر وقت بحران بالا میگیرد، هرکدام دیگری را به جاده صاف کن دشمن بودن متهم میکنند. در اعتراضات تیرماه که کار به جنگ خیابانی با سپاه پاسداران کشید، هر دو همین کار را کردند. هرکدام دیگری را به این متهم کردند که دارد میدان را برای عناصر و نیروهای خارج جریان "خودی" باز میکند که در صحنه سیاسی دخالت کنند. امروز جالب است، و ما خیلی از این خوشحالیم، که این نیروی سوم، این لولو خورخوره ای که هرکدام دیگری را با آن میخواهد بترساند و ساکت کند

حزب کمونیست کارگری ایران است. ما سمبل مبارزه علیه دو جناح، سمبل مبارزه علیه کلیت جمهوری اسلامی و نماینده واقعی مردم بیرون این حکومت شده ایم و طبیعی است که هرکدامشان دیگری را متهم میکند که آب به آسیاب ما میریزد. همدست ما است و در این ماجرا داستانه‌های محیرالعقولی هم هرکدام تعریف میکند که واقعا شایسته جمهوری اسلامی است.

روزهای اول راست‌ها و خامنه‌ای‌چی‌ها بودند که دوم خردادیه‌ها را به همدستی با ما متهم کردند که به شما در بند و بست با حزب کمونیست کارگری رفته‌اید در برلین عمدا جلسه گذاشته‌اید تا اینها بیایند مرگ بر جمهوری اسلامی بگویند. تا جایی که رسانه‌های طرفدار خاتمی در اروپا نگران شده بودند. با ما تماس میگرفتند که آیا واقعا دوم خردادیه‌ها با شما تماس داشته‌اند و با هم توافق کرده بودید؟! بعد از اینکه دوخردادیه‌ها اینطور در منگنه قرار گرفتند. بنظر میاید صحبت کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند همان سناریو را برای راستها پیاده کنند. حالا آنها خامنه‌ای و دارودسته اش و جناح راست را متهم میکنند که با حزب کمونیست کارگری تباری کرده‌اند تا دوم خرداد را بزنند. قضیه بسیار محیر العقول و تماشایی است. دو جناح حکومت در یک کشور پهناور دارند به همدیگر برچسب میزنند که با حزبی که عملا راس و پرچم جنبش سرنگونی طلبی در خارج حکومت است دمساز و همراه شده و حتی همدیگر را متهم میکنند که رفته‌اند سران این حزب را دیده‌اند. از آن خط گرفته‌اند. با آن قرار گذاشته‌اند! این البته باعث انبساط خاطر و سرگرمی خیلی از کمونیستها شده. اما بنظر من خیلی خوب است. چون نشان داده شد که سه جریان در جامعه ایران وجود دارد. دوم خردادیه‌ها و راست‌ها بخشی از این واقعیت‌اند. مردم و امثال حزب کمونیست کارگری هم یک گوشه دیگر واقعیت‌اند و نیرویی هستند که هرروز هولناکتر و ترسناکتر دارد خودش را به اینها نشان میدهد.

در جواب به این حملات هیستریک ما فقط باید اینرا به مردم یادآوری کنیم که قابل انتظار است که دوم خردادیه‌ها برای اینکه در این جدال انتساب دیگری به دشمن عقب نمانند این حملات را به ما بکنند. این حملات اینقدر مسخره است که دیگر از حد عقل خارج شده. جالب است که هم زمان با ایران، در خارج کشور هم و با بعضی ایادی شان، با بعضی از اوباشی که در خارج به اسم روزنامه نگار دارند، در روزنامه‌های خارج این داستانه‌های خیره کننده را میکارند. دارند سعی میکنند دفع شر کنند. و اتهاماتی را که جناح خامنه‌ای و راستها به آنها زده‌اند را به سمت خود آنها برگردانند. ما در جواب این حملات کار خودمان را میکنیم. برای مردم روشن میکنیم که دعوا سر چیست. خامنه‌ای و راست‌ها چه میگویند. خاتمی و جناح دو خرداد چه میگویند و در این میان حزب کمونیست کارگری چه میگوید. حزب کمونیست کارگری به صحنه آمده است. این اولین بار در

دوم خردادی‌ها در کنفرانس برلین قرار بود تصویری از یک ایران دیگر و یک جمهوری اسلامی دیگر بدهند که باید در برابر مخالفان نظام مورد دفاع و پشتیبانی غرب قرار بگیرد. یک جمهوری اسلامی تماما "لبخند" و "چپه پرندگان". جایی که آخوندهای بی‌آزار با چهره‌های نورانی و با عبا‌های نازک حریر دست در دست هم، سبکبال در چمنزارها دنبال شاپرکها میدوند و کلکسیون تمبر جمع میکنند و اینترنت یاد میگیرند. جایی که پاسدارها دستهای خونی شان را شسته‌اند و دیگر برای فستیوال‌ها فیلم میسازند و فلسفه میخوانند، جایی که زنان، اگرچه هنوز بخاطر "فرهنگ خویش" چادرشان را سفت لای دندان گرفته‌اند، با اجازه شوهر از بام تا شام فمینیسم و دوچرخه سواری میکنند. ایرانی "مدنی" و سرشار از "تسامح و تساهل" و "جاهت قانونی". قرار بود بگویند سپاهیان سلحشور اصلاحات اسلامی قوه مجریه را دارند و اکنون در یک قدمی فتح قلعه مقننه‌اند. و این دیگر همه چیز را فیصله میدهد. اینها به برلین رفته بودند تا لبخند خاتمی و اجازه نشر مجلات پاسدارهای سابق را بعنوان گشایش سیاسی و آزادی بیان و جامعه مدنی در اروپا بفروشدند. رفته بودند مضحکه مجلس اسلامی را یک پارلمان قانونی قلمداد کنند. رفته بودند سلاخی مخالفان حکومت را به گردن باند‌ها و محافل متفرقه بیاندازند و از جمهوری اسلامی ایران و رهبر و رئیس جمهور و مجلس و مقننه و قضائیه و کابینه و وزارت اطلاعات و حقوق بگیران نظام شان رفع مسئولیت کنند. رفته بودند نسل کشی‌ها و اعدام‌ها و سنگسار‌ها، گورهای بدون نشان، کارگران بدون معاش، زنان بدون حق، جوانان بدون آینده، کودکان تباه شده، اعتقادات سرکوب شده، صداهای خفه شده، بی حقوقی مطلق انسان در صحن جامعه و متن قوانین و چرخش مرکب‌ها شمشیر قصاص و سبوعیت اسلامی در تمام زندگی و ذهن شهروندان این کشور بختک زده را پشت شمایل مقوایی یک آخوند مرتجع و لفاظی‌های بی ارزش در مورد "اسلام مدرن" مخفی کنند. اینها رفته بودند در برلین از جمهوری اسلامی دفاع کنند، برایش تبلیغ کنند، مخالفان حکومت اسلامی را عقب برانند.

تلاش کردند، اما نتوانستند. برعکس، کنفرانس برلین به صحنه یک اعتراض و افشاگری عظیم علیه کل موجودیت رژیم اسلامی و دولت آلمان و اپوزیسیون مرتجع موئتلف رژیم بدل شد. بازماندگان نسل کشتار شده، آزادیخواهان و مقدم بر همه کمونیستها این خیمه شب بازی را برچیدند. حقایق حاکمیت ارتجاع اسلامی و استبداد خونین در ایران را جلوی چشم همه گرفتند. خواست اکثریت عظیم مردم ایران، یعنی سرنگونی حکومت اسلامی، را فریاد کردند. پروژه تبلیغی دهها میلیون مارکی دولتین ایران و

درسهای بدیهی برلین

نتایج محاکمات نمایشی پرونده کنفرانس برلین و احکام حبس و تبعید طولیل‌المدتی که بر سر عده‌ای از ملایم‌ترین منتقدین حکومت اسلامی نازل کردند، یک چیز را ثابت میکند و آن حقانیت سیاسی آن آزادیخواهان و انقلابیونی است که سالن کنفرانس برلین را با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی به لرزه درآوردند و طرح آلمانی-دوخردادی بازاریابی بین‌المللی برای اسلام و رژیم اسلامی را نقش برآب کردند.

با اولین پرخاشهای راست به شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین، حتی قبل از احضار کسی به دادگاه، برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان، از نیرومند و بنیاد هاینریش بل تا سحابی و رئیس دانا و جلایی پور، فلسفه تشکیل کنفرانس را عیان کردند. این پروژه‌ای در خدمت عادیسازی و گسترش روابط غرب با ایران بود. گفتند این پیشنهاد دولت آلمان بود. میخواستند برای سفر قریب‌الوقوع خاتمی به آلمان در افکار عمومی زمینه‌سازی کنند. میخواستند اپوزیسیون را تست کنند، ساکت کنند، قرار بود چهره قابل‌هضمی از رژیم اسلامی ترسیم کنند. «دیالوگ انتقادی» قرار بود به بار بنشیند. نوبت گسترش معاملات بانکی و بده‌بستان پسته و اسلحه رسیده بود. گفتند وزارت اطلاعات و مقامات حکومتی کاملاً در جریان این کنفرانس بوده‌اند، گفتند خودشان اجازه داده‌اند و کار را تسهیل کرده‌اند. گفتند برای خدمت به نظام اسلامی به کنفرانس رفته بوده‌اند و گفتند این خدمت را به شایستگی انجام داده‌اند.

تاریخ بیست سال اخیر ایران است که جناحهای مختلف حکومت بطور ملموس یک جنبش سرنگونی طلبی قدرتمند را بیرون خودشان میبینند و اینچنین از آن میترسند و بعلاوه در قلب این جنبش سرنگونی طلبی، یک جریان و حزب سیاسی متشکل و رادیکال با بیست سال سابقه مبارزه لاینقطع علیه حکومت را میبینند و بنظر من عکس‌العمل‌شان طبیعی است. ایران دارد وارد فاز جدیدی میشود، صحنه سیاسی آن دارد به زور بروی مردم باز میشود. حزب کمونیست کارگری وارد این معادلات شده و ما بسیار از این تحولات خوشحالیم.

راديو اترانسوئال: اهمیت این کنفرانس برلین یا تأثیر این کنفرانس چه بوده که چنین غوغا و بلشویی را چه در ایران و چه خارج کشور راه انداخته؟

منصور حکمت: باید یادتان بیاید که رژیم جمهوری اسلامی چگونه تا بحال سر پا مانده، جمهوری اسلامی جنگ را داشته، سلمان رشدی را داشته، اشغال سفارت را داشته، و حالا کنفرانس برلین را دارد. جلسات مشابه کنفرانس برلین قبلاً هم فراوان بوده و ما در خارج کشور در کشورهای مختلف آنها را پیکت کرده‌ایم، از تشکیلاتشان ممانعت کرده‌ایم، افشا کرده‌ایم. هرچا سران حکومت آمده‌اند خارج که به نفع حکومت اسلامی تبلیغ و پروپاگاندا بکنند، ما سد راه این قضیه شده‌ایم. نکته اینجاست که این دوم‌خردادیها هستند که عمدتاً از طرف غربی‌ها به خارج دعوت میشوند، و لاجرم موضوع اغلب این پیکت‌ها در خارج این جناح است، وگرنه اگر خامنه‌ای بیاید به خارج که باید ببینند اینجا مردم چه به روزش میاورند. در نتیجه، اینکه لبه تیز این افشاگریها و اقدامات اعتراضی در خارج کشور معمولاً عناصر دوم‌خردادی هستند فقط بخاطر این است که فعلاً در غرب برای اینها تربیون سخنرانی فراهم میکنند. اگر خامنه‌ای‌ها و ناطق‌نوری‌ها و ده‌نمکی‌ها به اروپا بیایند که روزگارشان به مراتب سیاه‌تر خواهد شد. در نتیجه هر عنصر جمهوری اسلامی که پایش را در خارج بگذارد و بخواهد تربیونی برای دفاع از جمهوری اسلامی بدست بیاورد، حزب کمونیست کارگری و کمونیستها و آزادیخواهان در خارج کشور از جلسه اش یک صحنه افشاگری درست میکنند. در کنفرانس برلین چند نفر از ایادی حکومت حضور داشتند. عده دیگری هم آدم‌های خوشنامی بودند که جزء حکومت نیستند، و حتی اگر از جنبش دوم‌خرداد و یا خاتمی دفاع بکنند، دارند عقیده‌شان را میگویند و ما هیچوقت به این اعتراض نداشته‌ایم. اعتراض به محتوای عقیده‌شان داشته‌ایم ولی به سخنرانی‌شان هیچوقت اعتراض نداشته‌ایم. مشکل ما کسانی است که سپاه پاسداران را راه انداخته‌اند، وزارت اطلاعات را گردانده‌اند، کسانی هستند که سخنگویان

و عامل سرکوب و اعدام و شکنجه در آن جامعه بوده اند. بهرحال اگر اینها در ایران در این بن بست سیاسی حاد نبودند کنفرانس برلین هم واقعه ای میشد مثل بقیه وقایعی که در این بیست سال از سر گذرانده اند. منتهی این واقعه در دوره بعد از انتخابات مجلس، که راستها میخواستند زیرش بزنند و آن تناسب قوای جدید بین خودشان و دوم خردادها را اجازه ندهند، ابرازی شد برای تهییج از هر دو طرف. در کنفرانس برلین عده ای آمده اند شعار مرگ بر جمهوری اسلامی دادند و با صدای رسا به جهان اعلام کرده اند که این مملکت فقط دو جناح رژیم را ندارد. مردم یک طرف اصلی جدال هستند. اکثریت عظیم مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند. راست ها این را شاهد گرفتند برای تکرار آنچه که همیشه به دو خردادها میگفتند که ببینید شما حرف از توسعه و دیالوگ میزنید و در پس آن این قدرت عظیم مردمی که سرنگونی میخواهند میاید از فرصت استفاده میکند. شما به این ها میدان دادید. در ماجرای برلین این حمله را اول راست ها کردند بخاطر اینکه پرچم سرنگونی طلبی و ضدیت با جمهوری اسلامی آنجا بلند شد. دوم خردادها هم مجبورند مقابله به مثل کنند. طرف دارد به دشمن منتسب شان میکند آنها هم متقابلا باید همین کار را بکنند.

بزرگترین جرم در جمهوری اسلامی تماس با "دشمن" است. در نتیجه اگر دشمن را شما حزب کمونیست کارگری تعریف بکنید معلوم بود که سیاست دوم خردادها این میشود که در قدم بعد برلین را به صحنه ای تبدیل کنند که گویا راست ها همدوش این "دشمن" علیه آنها توطئه کرده اند. واقعیت این است که هیچ توطئه ای در کار نبوده. مردم جلوی ابراز وجود نمایندگان و عوامل و سخنگویان مدافع جمهوری اسلامی را در خارج گرفتند. مثل نمونه های بسیاری در چند سال اخیر، منتهی این اتفاق مصادف شد با دوره پس از انتخابات، با ماجرای ابطال بعضی از صندوقها، با ماجرای دور دوم انتخابات و این سوال که بالاخره چند روز دیگر این مجلس قرار است با چه ترکیبی از عوامل و جناحهای جمهوری اسلامی باز بشود و اینجاست که برلین در بازی قدرت در ایران، این جایگاه را پیدا کرد بخصوص که بطور سمبلیکی محل ابراز وجود یک نیروی سوم در جامعه ایران شد و این برای آنها واقعا دردناک است.

رادیو اترناسیونال: شما در پاسخ تان مقداری توضیح دادید. فقط میخوامم کمی روشن تر کنید که آیا سیاست حزب کمونیست کارگری بهم زدن سخنرانیهای دوم خردادها یا مخالفین تان است؟

منصور حکمت: ابدا اینطور نیست. ما شعارمان این است: جمهوری اسلامی را

میکوبیم با مخالفان بحث میکنیم، با جمهوری اسلامی نبرد میکنیم با مخالفان جدل میکنیم. دوم خردادها منحصر به کسانی که در این کنفرانس بودند نیستند. سازمان اکثریت دوم خرداد است، توده ای ها دوم خرداد هستند. خیلی از جریانات موسوم به "اپوزیسیون" دوم خرداد هستند و خیلی از شخصیتهای داخل کشور و شعرا و ادبا دوم خرداد هستند. اینها آزادانه به جلسات مختلف در خارج کشور میایند و میروند. خود ما در کنفرانسهای مختلفی که برگزار کرده ایم از مدافعان دوم خرداد دعوت کرده ایم تا بیایند سخنرانی کنند. نشریات ما را که باز میکنید مصاحبه های مختلفی می بینید با کسانی که دارند از دوم خرداد و خاتمی دفاع میکنند. بحث ما تریبون ندادن به ایادی جمهوری اسلامی است. اینها که در کنفرانس برلین بودند سه چهار نفرشان ایادی جمهوری اسلامی بودند. باقی شان هم از شخصیتهای غیر رژیمی ای بودند که شاید از دوم خرداد چپ تر یا راست تر بوده اند. ما کاری به این طیف نداشتیم. اگر فقط این دسته دوم در کنفرانس شرکت میداشتند هیچکس از کنفرانس برلین مساله ای نمی ساخت. ولی اگر "بچه های قدیم سپاه" و سران "سابق" وزارت اطلاعات قرار است بیایند و تا آزادیخواهی جمهوری اسلامی را به مردم آلمان نوید بدهند و بگویند جهان میتواند جمهوری اسلامی را به عنوان دولتی معتبر قبول کند، اینجاست که دیگر مردم جلویشان می ایستند.